

شواهد استفاده از غارهای صعب‌العبور در دوره‌ی دالماد غرب ایران

دکتر امیر ساعد موچشی* و علیرضا آذشب**

*استادیار گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور همدان

**معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان

چکیده

در مقاله حاضر به معرفی و بحث در مورد چند غار که در دوره‌ی دالمایی مورد استفاده بوده‌اند، پرداخته می‌شود. استفاده از غارها از جمله شواهد دامداری و بویژه دامداری کوچ‌نشینی (چه فصلی و چه دائم) است، از این جهت شواهد موجود می‌تواند بازتاب زندگی کوچ‌نشینی در این دوره باشد. موقعیت جغرافیایی غار و نیز مسیر سخت دسترسی به آن‌ها به گونه‌ای است که احتمالاً اسکان در آن موقت و محدود به فصول خاصی از سال و هنگامی است که چراگاه گردان، گله‌های خود را جهت چرا به کوه‌ها می‌برده‌اند. یکی از ویژگی‌های خاص این غارها واقع شدن در ارتفاعات، دسترسی سخت و بویژه دهانه بسیار کم عرض آن‌هاست و به نظر می‌رسد که عواملی چون امنیت (هم از جنبه در امان ماندن از حیوانات وحشی و هم سرمای شبانه در منطقه) و دسترسی به چراگاه‌ها در استفاده از آن‌ها تأثیر زیادی داشته است. این غارها شامل غار کنه شمش در ارتفاعات شهرستان مریوان و غارهای سمنگان و کولان گورا در شهرستان دیواندره در استان کردستان و در غرب ایران است که در بررسی‌های باستان‌شناختی اخیر مورد بازدید و شناسایی قرار گرفته‌اند و نوشته حاضر براساس داده‌های بدست آمده از این بررسی است.

واژگان کلیدی: غارهای صعب‌العبور، دوره دالما (مس و سنگ میانه)، غرب ایران، کوچ‌نشینی، چراگاه گردی.

درآمد

دالما (اوائل دوره‌ی مس و سنگ میانه) بیشترین تعداد محوطه‌های دوران مس و سنگ را تشکیل می‌دهد و الگوی استقرار آن‌ها گستره‌ی وسیع و متنوعی از مناطق جغرافیایی مختلف استان شامل دشت‌ها، حاشیه دشت‌ها، ارتفاعات و غارها در سراسر شرق استان کردستان را دربر می‌گیرد (ساعد موچشی، ۱۳۹۰). گسترش استقرارهای دالمایی را در مناطق مختلفی چون حوضه آبریز اهرود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸) و منطقه کامیاران در جنوب استان کردستان (نوری، ۱۳۸۹) می‌توان شاهد بود.

به دلیل عدم انتشار تمامی داده‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در غرب ایران بویژه در استان کردستان، سیمای ناکاملی از وضعیت باستان‌شناسی این منطقه را پیش رو داریم، به طوری که می‌توان ادعا کرد که وضعیت الگوهای استقرار دوره‌ی پیش از تاریخ این استان به طور کامل ناشناخته باقی مانده است. براساس فعالیت‌های میدانی و نیز با در نظر گرفتن بررسی‌های انجام شده در این استان، محوطه‌های زیادی از دوران پیش از تاریخ شناسایی شده و تعداد محوطه‌های دوره

میزان متوسط بارندگی سالیانه شهرستان دیواندره ۴۵۴/۲ میلیمتر است. حداکثر باران سالیانه منطقه در دیواندره ۶۰۲/۱ میلیمتر در سال ۴۵ و حداقل بارش سالیانه ۲۴۹ میلیمتر در سال ۴۸ است (محمودی، ۱۳۵۲: ۱۳). نوسانات بارش در این منطقه به خصوص برای کشاورزان شکننده و برای ادامه معیشت تک‌محصولی غیر قابل اعتماد است. منطقهٔ مریوان نسبت به منطقهٔ دیواندره از بارش بیشتری برخوردار است اما وسعت زمین‌های کشاورزی آن کمتر است. نزدیک‌ترین شهرهای مجاور غارهای کولان‌گورا و سمنگان دیواندره و بیجاننده که میانگین دمای سالانه دیواندره ۹/۱ درجه و بیجان ۸/۸ درجه سانتیگراد است (آزادبخت، ۱۳۷۳: جدول ۸-۱).

موقعیت غارهای ارتفاعات اوباتو

غار سمنگان

غار سمنگان در ابتدای حوضه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن، در ارتفاعات منطقه اوباتو و در بخش کرفتو در شهرستان دیواندره واقع شده است. این غار بر روی دامنه شرقی کوه‌های بخش شرقی روستای باش‌قشلاق و به فاصله ۱۰۰۰ متری شرق همین روستا و در موقعیت جغرافیایی $36^{\circ}07'787''$ عرض شمالی و $47^{\circ}03'199''$ طول شرقی و در ارتفاع ۲۰۱۹ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده است. این اثر در فاصله حدود ۱۰۰ متری غرب جاده آسفالت‌ه منتهی به روستا پاپاله قرار گرفته است. طول آن ۱۰ متر در جهت شمالی - جنوبی و عرض آن ۵ متر در جهت شرقی - غربی است و از کف تا سقف حدود ۵ متر ارتفاع دارد و سطح قاعده غار بیضی شکل است. جاده‌ای مال‌رو در بخش شمالی جاده آسفالت، امکان دسترسی به اثر را میسر می‌سازد. در قسمت شرقی غار یک چشمه فصلی دیده می‌شود (تصویر ۲). ارتفاع بستر غار از سطح زمین‌های اطراف در بلندترین نقطه حدود ۳۰۰ متر بوده و دارای شیب نسبتاً متوسطی در قسمت دهانه غار است. ورودی غار ۵۰ سانتی‌متر قطر است که پس از ورود به آن غار به دو دهلیز تقسیم می‌شود که دهلیز غربی امتداد بیشتری نسبت به راهروی شرقی آن دارد. پراکندگی مواد فرهنگی، خصوصاً قطعات سفالی در سطح غار به صورت متراکم و در حجم گسترده‌ای قابل مشاهده است. بخش بیرونی

تحلیل بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در حوضه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن در شرق استان نشان‌دهندهٔ تفاوت در کارکرد محوطه‌های دالمایی به دو صورت احتمالی محوطه‌های یکجانشین و پایگاه‌های فصلی کوچک است (ساعد موجشی، ۱۳۹۰)، به این نحو که محوطه‌های بزرگ‌تر دالمایی شناسایی شده معمولاً در داخل دشت قرار گرفته‌اند و محوطه‌های کوچک‌تر غالباً در ارتفاعات قرار دارند. از جمله آثار شناسایی شده در همین محدوده دو غار سمنگان و کولان‌گورا (در حوضه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن) است که در شرایطی مشابه محوطه‌های کوچک واقع شده‌اند با این تفاوت که در اینجا، مواد فرهنگی از داخل غار بدست آمده است. علاوه بر این دو غار، در ارتفاعات منطقه مریوان نیز یک غار صعب‌العبور با آثار دالمایی شناسایی شده است (نقشه ۱).

شرایط اقلیمی منطقه

هوای غرب ایران با زمستان‌های مرطوب (دارای بارش) و تابستان‌های خشک مشخص می‌گردد. بارش‌های آن از منطقه مدیترانه و در برخی موارد از شبه جزیره عربستان نشأت می‌گیرد. بارش‌های منطقه‌ای با افزایش ارتفاع، افزایش می‌یابد و از ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیمتر در نوسان است. افزایش میزان بارش در اینجا تنها به دلیل افزایش ارتفاع و گستردگی کوهستان‌های آن نیست بلکه مسیر آن از شرق به سوی جنوب شرقی است و جبهه‌هایی که از مدیترانه در جهت شرقی به آن می‌روند به آن برخورد می‌کنند (Wright, 1966: 134).

عامل ارتفاع در جهت تشدید سرما در زمستان و تعدیل فوق‌العاده گرما در تابستان موثر است، به طوری‌که در دشت‌های مرتفع در گرم‌ترین فصل سال باید پوشش فصلی نسبتاً کاملی به تن داشت. به خاطر پایین بودن میزان حرارت در اثر وزش بادهای خنک در دشت هوه‌تو (شهرستان دیواندره) در اواسط مرداد ماه هنوز گندم و نخود برای درو کاملاً آماده نیست. به علت شکل خاص ناهمواری، این منطقه جولانگاه بادهای فصلی و محلی است (محمودی، ۱۳۵۲: ۱۵). همین عامل ارتفاع و بارش در مناطق مرتفعی چون دیواندره و نیز مناطق مرتفع مریوان، چراگاه‌های مناسبی را برای دامداران فراهم ساخته است.

دستی و گردشگری استان کردستان، مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت و شواهدی از سفال‌های دالمایی از این غار بدست آمد.

یافته‌های بدست آمده از غارهای شناسایی شده

تمامی یافته‌های بدست آمده از این سه غار سفال بوده و بیشترین آن‌ها متعلق به غار سمنگان است. سفال‌های شناسایی شده شامل انواع منقوش و با پوشش قرمز دالمایی است (تصاویر ۵، ۶ و ۷). تزئینات منقوش از انواع جناغی مشابه نمونه‌های بدست آمده از تپه دالما (Hamlin, 1975: fig 4f)، نوارهای پهن قرمز و قهوه‌ای مشابه تپه دالما (Hamlin, 1975: fig 5) است. شباهت آن‌ها با نمونه‌های دالمایی علاوه بر تزئینات در شکل ظرف، پخت و شاموت نیز قابل مشاهده است. سفال‌های ساده دالمایی قرمز رنگ نیز در میان سفال‌های شناسایی شده، دیده می‌شود. علاوه بر سفال‌های دالمایی شناسایی شده، تعدادی سفال مربوط به دوره‌های تاریخی نیز در میان مجموعه جمع‌آوری شده، بدست آمده است.

از غار کولان گورا نیز تعدادی سفال به دست آمد (تصویر ۸ و تصویر رنگی ۱۱). همه این سفال‌ها دست‌سازند و پخت آن‌ها ناکافی است. دارای پوشش قرمز و شاموت آن‌ها گیاهی و آلی است و یکی از آن‌ها از انواع سفال‌های دو پوشش دالمایی و رنگ زمینه نخودی-کرم و رنگ بعدی آن قرمز است. سفال‌های دو پوشش یکی از گونه‌های رایج سفال دالمایی است (Young & Levine, 1974: 2).

از داخل غار کنه‌شمش نیز تعدادی سفال دالمایی به صورت پراکنده بدست آمد (تصویر ۹). بیشتر قطعات ظروف این غار به دلیل رسوبات و آسیب‌های وارده به قطعات کوچکی تقسیم شده بود و در اینجا به چند طرح اکتفا شده است. این سفال‌ها عمدتاً قرمز رنگ، دارای شاموت گیاهی و کانی، با پخت ناقص و همگی دست‌سازند و با توجه به رنگ، شاموت، فرم و پخت به سفال‌های دالمایی شباهت کامل دارند. پوشش آن‌ها قرمز و غلیظ است و در برخی نمونه‌ها دارای تزئینات قهوه‌ای رگه‌رگه است و مشابه نمونه‌های کاوش شده دالمایی است. سفال‌های بدست آمده از این غار با نمونه‌های تپه دالما (Hamlin,)

غار به علت شیب و تخریبات ناشی از بارش فاقد هرگونه مواد فرهنگی است. این اثر در سال ۱۳۸۷ در راستای بررسی باستان‌شناختی منطقه شناسایی شد (نوری، ۱۳۸۷).

غار کولان گورا روستای روتله

غار کولان گورا بر روی دامنه شرقی کوه‌های بخش شرقی روستای قلعه روتله از توابع دهستان زرینه در بخش کرفتوی شهرستان دیواندره قرار گرفته است. این اثر در ۲۰۰۰ متری شرق همین روستا و در موقعیت جغرافیایی و "۵۲۰' ۰۲' ۳۶" عرض شمالی و "۵۰۰' ۰۳' ۴۷" طول شرقی قرار گرفته و از سطح دریا‌های آزاد ۱۹۸۰ متر ارتفاع دارد. در قسمت‌های جنوبی آن چشمه‌های فصلی جاری است. جاده مال‌روی بخش شرقی روستا امکان دسترسی به اثر را میسر می‌سازد. ۴۰ در ۳۰ متر طول و عرض این غار است و از کف ۱ متر ارتفاع دارد. دهانه این اثر با قطر ۵۰ سانتی‌متر در دامنه شمالی کوه‌های کولان گورا قرار گرفته است (تصویر ۳). مواد فرهنگی شناسایی شده شامل مجموعه‌ای از سفال‌های دالمایی است. غار کولان گورا در سال ۱۳۸۷ شناسایی و مورد بازدید قرار گرفت (نوری، ۱۳۸۷).

غار کنه‌شمش

غار کنه‌شمش در ۳۰ کیلومتری شمال شرق شهر مریوان و در غرب استان کردستان و در موقعیت جغرافیایی عرض شمالی "۵۵.۶۰' ۴۰' ۳۵" و "۴۲.۶۰' ۲۶' ۴۶" طول شرقی قرار گرفته و ۲۳۰۰ متر از سطح دریا‌های آزاد ارتفاع دارد. این غار در ارتفاعات منطقه سرشیو مریوان قرار گرفته و راه دسترسی به آن پس از گذر از دره و شیب تند ورودی غار امکان‌پذیر است. غار کنه‌شمش دارای سه دهانه است که دو دهانه آن به هم الحاق و به دالان اصلی آن راه می‌یابند (تصویر ۴). دهانه سوم که در غرب آن دو واقع شده، به فضای اصلی غار راه ندارد. در فضای داخل غار هیچ نوری به جز دهانه‌ها به آن نمی‌رسد. این غار جزو غارهای طبیعی و افقی است و در لایه‌های آهکی بوجود آمده است. وجه تسمیه آن در زبان کردی به معنای غار خفاش است. غار کنه‌شمش در سال ۱۳۹۰ توسط علیرضا آذرشب طی بازدیدی از طرف اداره کل میراث فرهنگی، صنایع

موچشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب).

طی بررسی‌های دهستان کانی شیرین از توابع شهرستان دیواندره علاوه بر غار سمنگان چندین محوطه دالمایی شناسایی شدند که عمدتاً بین ۳۵۰۰ متر مربع تا یک هکتار وسعت داشتند. چند محوطه کوچک نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود که شاخص‌ترین آن‌ها تپه رش در روستای پاپاله در ۱۰ کیلومتری شرق غار سمنگان است. وسعت این تپه ۱۹۵ متر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۰۱۸ متر است و از سطح زمین‌های اطراف حدود ۲/۵ متر ارتفاع دارد و علاوه بر سفال‌های دورهٔ دالمایی، سفال‌های دوران تاریخی نیز از سطح آن شناسایی شد. تپه رش با مساحت کم خود و قرارگیری در ارتفاع بالای ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و نیز نهشته‌های ضعیف فرهنگی که در زیر لایه‌ای از دوران تاریخی قرار گرفته به احتمال بیانگر وجود پایگاه‌های فصلی در این ناحیه و در دورهٔ دالماست. علاوه بر منطقهٔ دیواندره، در منطقهٔ بانه نیز تعدادی محوطهٔ دالمایی در مناطق حاشیه‌ای و جنگلی در بانه شناسایی شدند که در وضعیت مشابه برخی از استقرارهای حاشیه‌ای حوضه آبخیز رودخانه قزل اوزن قرار دارند (قمری فتیده، ۱۳۸۹). در منطقهٔ زاگرس مرکزی و در استان کرمانشاه کامیار عبیدی محوطهٔ توه‌خشکه محوطه‌ای مشابه محوطه‌های حاشیه‌ای قزل اوزن - را کاوش کرد. این تپه از جمله محوطه‌های مس و سنگ میانه است که در حاشیه دشت‌ها واقع شده و با این پیش‌فرض که احتمالاً محوطه‌ای فصلی است کاوش شد و مواد بدست آمده آن نیز این فرضیه را تقویت کرد (Abdi et al., 2002).

براساس بررسی‌های باستان‌شناختی انجام گرفته در شهرستان‌های مختلف استان مانند دیواندره (نوری، ۱۳۸۷)، بیجار (ساعد موچشی، ۱۳۹۲)، قروه (بهنیا، ۱۳۸۸؛ ساعد موچشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب) کامیاران (نوری، ۱۳۸۹) و دهگلان (کریمی، ۱۳۸۶)، گسترش استقرارها در مناطق مختلف جغرافیایی استان را در دورهٔ دالما شاهدیم. در این دور تمامی قسمت‌های استان شامل دشت، کوهپایه‌ها و شواهد استفاده از مراتع کوهستان مانند غارها دیده می‌شود. تراکم استقرارها بیشتر از هر دورهٔ پیش از تاریخی است (نوری، ۱۳۸۹) و به نظر می‌رسد همین عامل یعنی بهره‌برداری از تمامی دشت‌های

(1975)، گودین X (Levine & Young, 1987)، سهاچای تپه زنجان (رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷) و تپه کلنان بیجار (ساعد موچشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف) مشابهت دارد.

یافته‌های بدست آمده از غارهای سمنگان و کولان‌گورا و نیز غار کانی میکاییل در شهرستان دیواندره که پیش‌تر کاوش شده بود (روستایی و رضوانی، ۱۳۸۱) و همچنین غار کنه شمشم در منطقهٔ میروان، همگی دربردارنده سفال‌های دالمایی هستند. سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد، دلیل استفاده گسترده از این غارها در دورهٔ دالما است به نحوی که غارهای صعب‌العبوری چون سمنگان و کولان‌گورا نیز مورد استفاده واقع شده‌اند. پاسخ به این امر بدون شناخت الگوهای استقراری محوطه‌های دورهٔ دالما در منطقه و نیز شناخت شواهد مشابه در استفاده از غارها و پایگاه‌های فصلی ممکن نخواهد بود.

الگوهای استقراری دوره دالما در حوضه آبخیز رودخانه قزل اوزن در غرب ایران

در بررسی‌های انجام گرفته در حوضه آبخیز رودخانه قزل اوزن در شرق استان کردستان در غرب ایران مجموع ۱۲۸ محوطه متعلق به دورهٔ مس و سنگ شناسایی شده که از این میان ۹۰ محوطه در دورهٔ مس و سنگ میانه و ۶۶ عدد متعلق در دوره مس و سنگ جدید دارای استقرار هستند (ساعد موچشی، ۱۳۹۰). بیشتر محوطه‌های دورهٔ مس و سنگ میانه دارای آثار دالمایی هستند. از حوضه آبخیز رودخانه تلوار^۱ در شهرستان‌های قروه و دهگلان ۳۴ محوطه دالمایی شناسایی شد. الگوهای استقراری این محوطه‌ها در حوضه رودخانه قزل اوزن نشان دهندهٔ چند خوشه مختلف استقراری است به نحوی که برخی از آن‌ها در مراکز دشت، در کنار رودخانه‌های بزرگ و دشت‌های وسیع قرار گرفته‌اند، مساحت و حجم نهشته‌های فرهنگی آن‌ها بیشتر از محوطه‌های واقع در ارتفاعات است. محوطه‌هایی که در خوشه محوطه‌های کوچک قرار دارند غالباً در کنار کوهپایه‌ها و مراتع قرار گرفته و به نظر می‌رسد که پایگاه‌های فصلی‌اند (ساعد

۱- رودخانه تلوار یکی از رودهای بزرگ شرق استان کردستان است که در محلی به نام چغلووند بالا به رودخانه قزل اوزن ملحق می‌گردد (افشین، ۱۳۷۳: ۱۵۳). این رودخانه از ارتفاعات شهرستان‌های قروه و دهگلان سرچشمه می‌گیرد.

شباهت سبکی بین سفال‌های دالمایی را به عامل کوچ‌نشینان نسبت می‌دهد، به این نحو که حلقه ارتباطی را کوچ‌نشینان بین روستاها ایجاد می‌کرده‌اند (2009). در مورد نوع معیشت کوچ‌نشینی مردمان دالما هیچ گونه اظهار نظری وجود ندارد و در اشاره‌هایی کلی بخشی از جمعیت آن‌ها را کوچ‌نشین ذکر کرده‌اند. ظهور کوچ‌نشینی تخصصی در لرستان (Henrickson, 1985b) را به نیمه دوم مس و سنگ میانی و ظهور این پدیده در منطقه اسلام‌آباد کرمانشاه را به اواخر مس و سنگ میانه و اوائل مس و سنگ جدید منتسب کرده‌اند (Abdi, 2003). در اینجا و بر اساس مطالعات موجود در استان کردستان اظهار نظر در مورد نوع کوچ‌نشینی مردمان دالما براساس داده‌های بدست آمده از بررسی‌هاست. چنانچه مردمان دالمایی کاملاً کوچ‌نشین بوده‌اند، بیلاق آن‌ها کدام منطقه می‌توانسته باشد؟ اطراف استان کردستان را مناطق مرتفع و سرد فراگرفته است. بیشتر نقاط استان‌های زنجان، همدان، آذربایجان غربی و کرمانشاه مرتفع‌اند و محل مناسبی برای چراگاه‌گردان در فصول سرد سال نیست، در ثانی همانطور که در زیر خواهد آمد خود این مناطق نیز در این دوره با افزایش استقرار مواجه بوده‌اند و منطقه آن‌ها توسط ساکنین مورد استفاده بوده است. همچنین براساس سفال‌های بدست آمده از سطح محوطه‌های حاشیه‌ای دشت‌های استان کردستان و نیز غارهای دارای سفال دالمایی، هیچ‌گونه سفال غیر محلی شناسایی نشده است تا بتوان وجود رابطه‌ای فرامنطقه‌ای را حدس زد. در دوره دالمایی تمام مناطق اطراف غارهای سمنگان، کولان‌گورا، کنه شمشم و کانی میکایل دارای استقرار شدند و به نظر می‌رسد که محوطه‌ای حاشیه‌ای و غارهای این دوره توسط شبانان رمه‌گردانی (Trahumance) مورد استفاده بوده است.

از جمله مستندترین مدارک موجود در این زمینه می‌توان به کاوش غار کانی میکایل در شهرستان دیواندره و در نزدیکی غارهای سمنگان و کولان‌گورا اشاره کرد. در کاوش غار کانی میکایل، آثار دالمایی از این غار بدست آمد (روستایی و رضوانی، ۱۳۸۱). ۳ گمانه در این غار کاوش شد که عمق آثار فرهنگی آن در دو گمانه‌ای که دارای مواد فرهنگی بودند (گمانه‌های ۲ و ۳) در حدود ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر است و تعداد

موجود در منطقه می‌توانسته عاملی جهت انگیزه بهره‌وری از مراتع باشد. علاوه بر استان کردستان شواهد معیشتی متفاوتی در دوره مس و سنگ میانه وجود دارد که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

شواهد معیشت چراگاه‌گردی در دوره مس و سنگ میانی در دوره دالما

از جمله مدارک باستان‌شناختی که در تأیید شیوه دامداری کوچ‌نشینی از آن استفاده می‌شود، پناهگاه‌های باز، قبرستان‌ها و غارهاست (Henrickson, 1985b: 27). وجود زندگی کوچ‌نشینی در منطقه زاگرس پیش از دوره مس و سنگ میانه نیز مطرح شده است به طوری که در الگویی که پولار از محوطه‌های نوسنگی زاگرس ارائه کرده، پایگاه‌های موقتی و پایگاه‌های فصلی، استقرارهای دائم و استقرارهای وابسته را در مدل‌های خود گنجانده است (Pullar, 1977: 32). فصلی بودن محوطه‌هایی چون گوران از دوره نوسنگی (Mortensen, 1963) و سراب (Hesse, 1982) پیشنهاد شده است. پس از دوره نوسنگی و قبل از مس و سنگ میانه به فصلی و احتمالاً کوچ‌نشین بودن بعضی از محوطه‌ها در دوره مس و سنگ اشاره شده است. رایت چند محوطه مربوط به اواسط هزاره پنجم ق.م در ۲۰ کیلومتری شمال ایذه را پایگاه‌های فصلی می‌داند (رایت، ۱۳۸۱: ۲۹۳). استفاده از غار کنجی در دوره گذر از عبید به دوره اوروک (۴۰۰۰ ق.م) در لرستان به شواهدی از جمعیت کاملاً کوچ‌نشین در مس و سنگ میانه اشاره دارد (Wright et al., 1975: 133). در منطقه بختیاری زاگرازل از یک غار متعلق به دوره مس و سنگ میانه بر خط‌الرأس ارتفاعات نام می‌برد و آن را یک محوطه فصلی می‌پندارد (زاگرازل، ۱۳۸۷: ۷۱).

از نظریاتی که مستقیماً به رواج زندگی کوچ‌نشینی در دوره دالما اشاره شده، می‌توان به نظر سولکی و سولکی (1973) اشاره کرد. ایشان دلیل پراکندگی سفال‌های دالمایی در پهنه وسیعی از زاگرس و دیگر نقاط را دال بر زندگی کوچ‌نشینی می‌دانند. تونویکه دیگر پژوهشگری است که بر اساس مطالعات آزمایشگاهی بر روی سفال‌های دالمایی و نیز با احتساب موقعیت و قوم‌نگاری مناطق (شمال غرب و زاگرس مرکزی در ایران)،

استراتژی معیشتی برگزیده‌اند، چرا که شاید زمین‌ها یا زمین‌های مرغوب پاسخگوی نیاز همه نبوده و یا اینکه معیشت دامداری به صرف انرژی کمتری نیاز داشته است.

برآیند

وجود سنت سفالی دورهٔ دالما در غارهای شناسایی شده در استان کردستان بیانگر استفاده از این غارها در دورهٔ دالما توسط رمه‌گردانان و شبانانی است که بخش‌هایی از سال را در آنجا سپری می‌کردند. البته گروه دیگری نیز می‌توانستند از این غارها بویژه غارهای صعب‌العبوری چون سمنگان و کولان‌گورا استفاده کنند. گروه مزبور شکارچیانند، اما استفاده انحصاری از این غارها توسط شکارگران را با توجه به زمان کوتاهی که یک شکارچی برای شکار در کمین‌گاه خود سپری می‌کند و طبعاً بقایای فرهنگی کمتری که از خود برجای می‌گذارد را نمی‌توان صرفاً برای غارهای منطقهٔ دیواندره در نظر داشت. به احتمال زیاد چنین مکان صعب‌العبوری محل سکونت دائم نیست. غارهای مورد بحث در ارتفاعات قرار گرفته‌اند، ورودی‌های آن‌ها جهت عبور و تردد بسیار مشکل است، منابع آبی مناسبی جهت ادامه زندگی ندارند، زمین‌های کشاورزی در اطراف آن‌ها وجود ندارد، از نور کافی برخوردار نیستند و فضای داخل آن‌ها نیز برای اسکان دائم یک روستا مناسب نیست.

نوع و شیوهٔ کوچ‌نشینی را بر اساس داده‌های موجود نمی‌توان تعیین کرد چرا که هر دو گروه کوچ‌نشینان و نیز رمه‌گردانانی که گله‌های خود را بخشی از سال در خارج از روستا نگهداری می‌کنند، می‌توانند چنین آثار سطحی‌ای را از خود برجای بگذارند. در ثانی هیچ گونه سفالی از دیگر سنت‌های رایج مس و سنگ میانه سایر مناطق دور را که بتوان بر اساس آن مسیری مشخص از بیلاق و قشلاق را برای ساکنین غار تعیین کرد، تاکنون به دست نیامده است. البته باید خاطر نشان کرد که سنت سفال دالمایی در گستره وسیعی از زاگرس و نیز شمال فلات مرکزی رایج بوده و چنانچه استفاده‌کنندگان از غار به این مناطق نیز کوچ می‌کردند سفال‌هایی مشابه را با خود به همراه می‌آوردند و همین عامل نیز به پیچیدگی در شناخت روابط فرامنطقه‌ای بر اساس داده‌های سطحی دورهٔ دالمایی (مس

سفال‌های بدست آمده از آن به نسبتاً کم و دارای تراکم پایینی است (روستایی و رضوانی، ۱۳۸۱). این غار به عنوان پایگاهی فصلی معرفی شده است (Roustaei et al., 2002).

به دست آمدن سفال‌های دالمایی از یک غار در منطقهٔ مرتفع شهرستان دیواندره می‌تواند دلیل بر وجود جمعیتی کوچ‌نشین چراگاه‌گرد یا رمه‌گردان در این دوره باشد. علاوه بر این طی بررسی‌هایی که اخیراً در نیمه شمالی (الیاسوند، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) و شرق استان کردستان (ساعت موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب و ساعت موجشی، ۱۳۹۲) انجام شده است، تعداد زیادی محوطه‌های باز کوچک شناسایی شده است. داشتن ویژگی‌هایی چون وسعت بسیار کم که گاهی از ۵۰۰ متر مربع نیز کمتر است، نهشته‌های ضعیف فرهنگی، داشتن ارتفاع زیاد از سطح دریا، نزدیکی آن‌ها به مراتع مرغوب منطقه و کیفیت پایین اراضی کشاورزی اطراف آن‌ها، کاربرد احتمالی آن‌ها به عنوان یک پایگاه متعلق به کوچ‌نشینان چراگاه‌گرد در دورهٔ دالما را نشان می‌دهد.

یکی از نکات قابل تأمل درباره دوره مس و سنگ میانه در ایران، افزایش تعداد محوطه‌های استقراری در بیشتر نقاط آن است، به نحوی که علاوه بر استان کردستان که مورد بحث قرار گرفت، بیشتر مناطق زاگرس و فلات مرکزی با افزایش و پراکنش محوطه‌ها در اکثر مناطق آن اعم از دشت‌ها و کوهپایه‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. گسترش محوطه‌های استقراری به عنوان افزایش جمعیت در این دوره تلقی شده است (اسمیت و یانگ، ۱۳۸۲). بر اساس بررسی‌های انجام شده در این دوره در مناطقی چون ماهیدشت (Levine, 1975: 488)، کنگاور (Young, 1975: 192)، حوزه رودخانه کر در استان فارس (سامنر، ۱۳۷۷)، بختیاری (زاگارل، ۱۳۸۷: ۷۱)، ابهرود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸)، سنقر در استان کرمانشاه (موسوی و حیدریان، ۱۳۸۷: ۱۹۹)، هلیلان (Mortensen, 1974)، بیستون (مرادی بیستونی، ۱۳۸۹) و منطقه قمرود (کابلی، ۱۳۷۸: ۵۲) دیده می‌شود. حال چنانچه وضعیت فوق را در این منطقه نیز در نظر بگیریم می‌توان این احتمال را مطرح کرد که در دوره مس و سنگ میانه بخشی از جمعیت مازاد زندگی دامداری رمه‌گردانی را به عنوان یک

که دهانه غار روتله ساییده شده است. همین ساییدگی در دهانه غار استفاده طولانی مدت یا برنامه‌ریزی شده از این غار را نشان می‌دهد و استفاده از آن توسط شکارچایان را تا حدودی دور از ذهن می‌سازد. موقعیت غار کنه‌شمش در ارتفاعات شهرستان مریوان و نیز شیب تند دهانه غار دسترسی به آن را مشکل می‌سازد. استفاده از چنین غارهایی در دوره دالما می‌تواند بیانگر چند شیوه استراتژی جمعیتی و بهره‌برداری از مراتع در این دوره باشد. دلایلی مانند افزایش جمعیت و نیز مسائلی چون امنیت شبانان و گله‌های آن‌ها در استفاده از این غارها تأثیرگذار بوده است. چوپان‌ها می‌توانستند با یک تکه سنگ دهانه غارهایی چون سمنگان و روتله را ببندند و به دور از هر تهدیدی به استراحت پردازند. چنانچه جنبه امنیت در استفاده از غارهای مرتفع استان کردستان را در نظر بگیریم، دور ماندن از سرمای شبانه کوهستان‌های این ناحیه می‌تواند دلیل دیگری برای استفاده از این غارهای صعب‌العبور باشد. در استان کردستان و بویژه در مناطقی مانند دیواندره و ارتفاعات استان بخش‌هایی از شهابا تاپستان نیز همچنان سرد است. همانگونه که در بخش اقلیم منطقه ذکر شد، میانگین دمای سالانه شهرستان دیواندره و ارتفاعات مریوان پایین است.

و سنگ میانه) می‌افزاید و اظهار نظر در این مورد را مشکل می‌سازد. نکته دیگر در مورد سفال دالما این است که پراکندگی این سفال بیشتر در مناطق مرتفع ایران مانند شمال غرب، زاگرس مرکزی و شمال فلات مرکزی بوده و چنانچه کوچ‌نشینی در این دوره وجود داشته، فصول سرد سال را در خارج از این گستره به سر می‌برده‌اند از این جهت بر اساس سفال‌های بدست آمده نمی‌توان کوچ‌نشینی تخصصی (در طول تمام سال و بدون یکجانشینی در هیچ فصلی از سال) را برای این غارها پیشنهاد داد و احتمالاً چراگاه‌گردهایی بودند که بخش‌هایی از سال را در خارج از روستا سپری می‌کردند الگویی که امروزه نیز در مناطق مرتفع شمالی شهرستان بیجار نیز دیده می‌شود (ساعد موجشی، ۱۳۹۲).

اما مسأله قابل توجه دیگر در این غارها صعب‌العبور بودن آن‌ها و بویژه دهانه کوچک دو غار سمنگان و روتله در شهرستان دیواندره است. راه دسترسی به غارهای دیواندره فقط با حرکت به صورت سینه‌خیز امکان‌پذیر است. در تصویر غار سمنگان شاید چنین به نظر آید که رسوبات دهانه غار را به مرور بسته باشد اما موقعیت دهانه غار روتله در سینه کوه نشان از استفاده از غارهای دهانه تنگ در این دوره است. به نظر می‌رسد

منابع

الف) فارسی

- آزادبخت، بهرام، ۱۳۷۳، بررسی ویژگی‌های ژئومورفولوژی - هیدرولوژی قسمت علیای آبریز قزل‌اوزن (از چهل‌چشمه، بیجار گروس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).
- اسمیت، فیلیپ و توماس کایلر یانگ، ۱۳۸۲، نیروی اعداد: فشار جمعیت در غرب مرکزی زاگرس، ۱۲۰۰۰ تا ۴۵۰۰ ق.م، ترجمه کوروش روستایی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفدهم، شماره دوم، صص ۳۷-۵۱.
- الیاسوند، ابراهیم، ۱۳۸۵، بررسی باستان‌شناختی بخش سیلتان و خورخوره شهرستان بیجار، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- الیاسوند، ابراهیم، ۱۳۸۶، بررسی باستان‌شناختی بخش طغامین و سیاه‌منصور شهرستان بیجار، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- پهنیا، علی، ۱۳۸۸، بررسی باستان‌شناسی شهرستان قروه (بخش سریش آباد)، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

ساعد موجشی، امیر، کمال‌الدین نیکنامی، زاهد کریمی، اقبال عزیزی، و علی بهنیا، ۱۳۹۰، ب، الگوهای استقراری محوطه‌های مس و سنگ میانه حاشیه رودخانه‌های تلوار (شهرستان‌های دهگلان و قروه)، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۳۴-۱۷.

سامنز، ویلیام ماروین، ۱۳۷۷، بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران، ترجمه کامیار عبدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۵۱-۳۶.

قمری فتیده، محمد، ۱۳۸۹، بررسی باستان‌شناختی محوطه آبگیر سد چومان بانه، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

کابلی، میر عابدین، ۱۳۷۸، بررسی‌های باستان‌شناسی قمرود، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

کریمی، زاهد، ۱۳۸۶، گزارش گمانه‌زنی محوطه میهم شهرستان قروه، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

محمودی، فرج‌الله، ۱۳۵۲، جغرافیای ناحیه‌ای قروه - بیجار - دیواندره، نشریه شماره ۹ گزارش‌های جغرافیایی.

مرادی بیستونی، بابک، ۱۳۸۹، ورگر، محوطه‌ای از اواخر دوره نوسنگی در شرق منطقه درود فرامان، کرمانشاه، مجله باستان‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۳۴-۲۷.

موسوی، سید مهدی و محمود حیدریان، ۱۳۸۷، بررسی فراگیر باستان‌شناسی سنقر کلیایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۸۵-۴، دوره ۵۹، صص ۲۱۴-۱۹۳.

نوری، نادر، ۱۳۸۷، بررسی و شناسایی بخش کرفتو در شهرستان دیواندره، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۹، بررسی و شناسایی بخش مرکزی شهرستان کامیاران، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

خسروی، شکوه، حمید خطیب شهیدی و سجاد علی‌بیگی، ۱۳۸۸، حوضه آبریز ابهرود در دوره مس و سنگ: مروری بر استقرارهای حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۵۲-۳۷.

رایت، هنری ت.، ۱۳۸۱، پسرکانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین، در: باستان‌شناسی غرب ایران، ویرایش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، صص ۳۱۵-۲۸۵.

رحیمی سرخنی، رقیه، ۱۳۸۷، گاهنگاری نسبی و مطلق محوطه پیش از تاریخی سهاچای-تپه در استان زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

روستایی، کوروش و حسن رضوانی، ۱۳۸۱، گزارش مقدماتی گمانه-زنی در غار کانی میکائیل کردستان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم، شماره دوم، بهار و تابستان، صص ۶۸-۵۸.

زاگارل، الن، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری: ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات، ترجمه کوروش روستایی، شهر کرد، چاپ گنجینه نقش جهان.

ساعد موجشی، امیر، ۱۳۹۰، بررسی الگوهای استقراری شرق استان کردستان (حاشیه رودخانه قزل اوزن)، رساله دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.

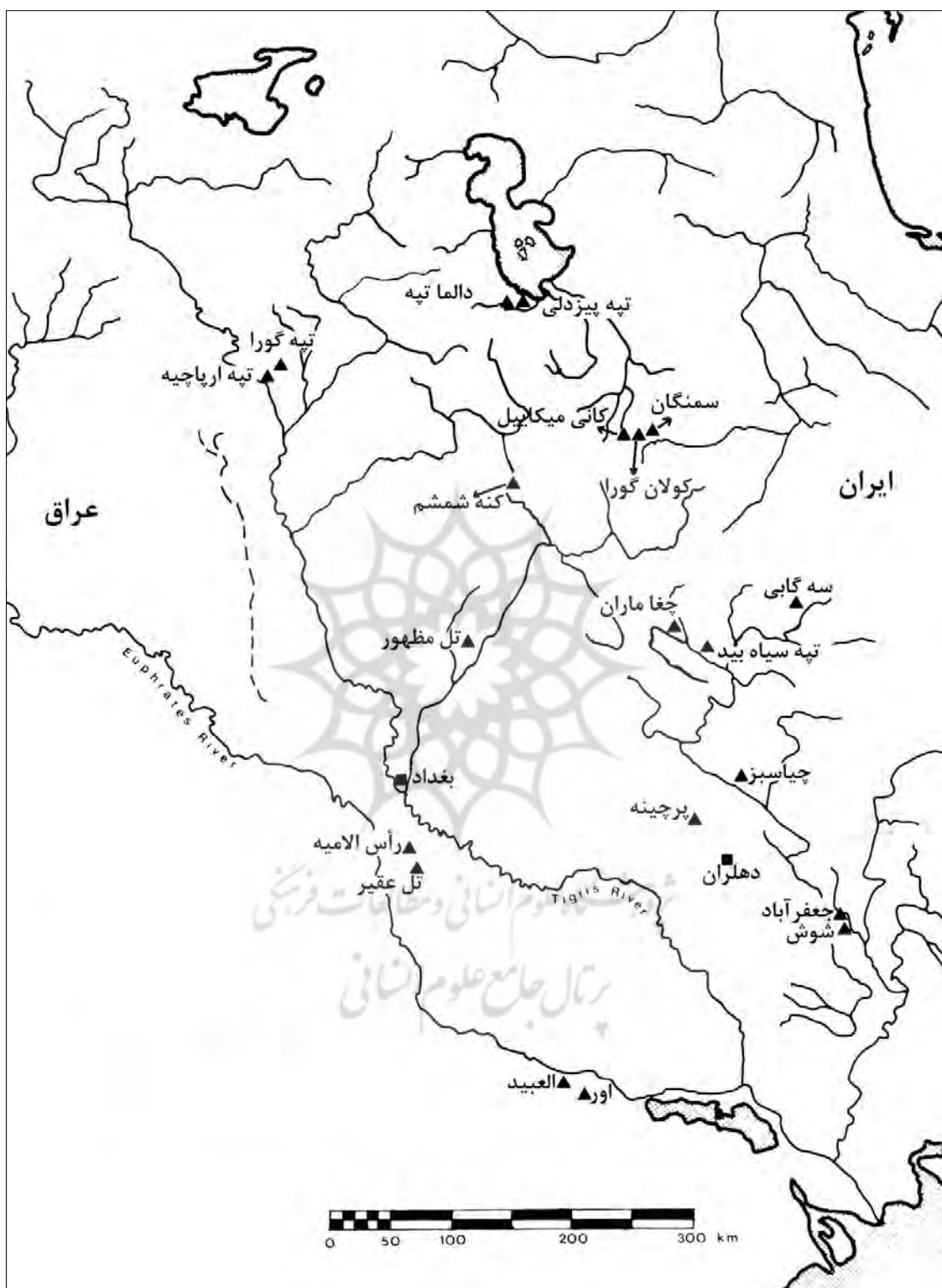
_____، ۱۳۹۲. حوضه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس و سنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره سوم، شماره ۵، صص: ۲۵-۵۰.

_____، کمال‌الدین نیکنامی، مرجان مشکور، حسن فاضلی‌نثلی، و بهمن فیروزمندی شیرجینی، ۱۳۹۰ الف، گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره مس و سنگ میانه در غرب ایران، نامه باستان‌شناسی، شماره ۱، دوره اول، صص ۳۱-۵۶.

(ب) غیرفارسی

- Abdi, K., 2003, The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains, *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4, pp. 395-448.
- , Nokandeh, G., Azadi, A., Biglari, S., Farmani, D., Rezaii, A., & Mashkour, M., 2002, Tuwah Khoshkah: A Middle Chalcolithic Mobile Pastoralist Camp-site in the Islamabad Palin, West Central Zagros Mountains, *IRAN*, Vol. XL, pp. 43-74.
- Hamlin, C., 1975, Dalma Tepe, *IRAN*, Vol. XIII, 111-127.
- Henrickson, E. F. F., 1985a, An Updated Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran, *IRAN*, Vol. XXIII, pp. 63-108.
- , 1985b, The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan), *Iranica Antiqua*, Vol. XX, pp. 1-42.
- Hesse, B. C., 1982, Slaughter Patterns and Domestication: The Beginnings of Pastoralism in Western Iran, *Man*, Vol. 17, pp. 403-417.
- Levin, L. D., 1975, Archaeological Investigation in the Mahidasht, Western Iran, *Paléorient*, Vol. 2, No. 2, pp. 487-490.
- , & Young, T. C. Jr., 1987, A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late third Millennium B.C., *Colloques Internationaux*, CNRS, pp. 15-53.
- Mortensen, P., 1963, Excavation at Tepe Guran, Luristan, *Acta Archeologica*, Vol. 34, pp. 97-133.
- Mortensen, P., 1974, A Survey of Prehistoric Settlements in Northern Luristan, *Acta Archaeologica*, Vol. 45, pp. 1-47.
- Pullar, J., 1977, Early Cultivation in the Zagros, *IRAN*, Vol. 15, pp. 15-37.
- Roustaei, K., Rezvani, H., & Heydari, S., 2002, Kani Mikail: a Seasonal Cave Site of the Middle Neolithic Period in Kurdistan, Iran, *Antiquity*, Vol. 76, pp. 935-936.
- Solecki, R. L., & Solecki, R. S., 1973, Tepe Seavan, A Dlama Period Site in the Margavar Valley Azerbaijan, Iran, *Bulletin of the Asian Institute*, Vol. 3, pp. 98-116.
- Tonoike, Y., 2009, Beyond Style: Petrographic Analysis of Dalma Ceramics in Two Regions of Iran, Ph.D Dissertation, Department of Anthropology, Yale University, USA.
- Wright, H. T., Neely, J. A., Johnson, G. A., & Speth, J., 1975, Early Fourth Millennium Developments in Southwestern Iran, *IRAN*, Vol. XIII, pp. 129-147.
- Wright, H. E. Jr., 1966, Minneapolis, Pleistocene Glaciation in Kurdistan, *Eiszeitalter und Gegenwart*, Band 12, Seite 131-164, Ohningen / Würstt15, Pleistocene glaciation in Kurdistan.
- Young, C. T. Jr., & Levin, D. L., 1974, *Excavation of the Godin Project: Second Progress Report*, Royal Ontario Museum Art and Archaeology.
- Young, T. C. Jr., 1975, Kangavar Valley Survey, *IRAN*, Vol. XIII, pp. 191-193.

تصاویر



تصویر ۱: موقعیت غارهای مورد بحث در مقاله نسبت به سایر محوطه‌های همزمان (برگرفته از Henrickson, 1985a: fig. 1).



تصویر ۲: موقعیت دهانه غار سمنگان در کوه (سمت راست)، دهانه آن (سمت چپ بالا)، و فضای داخل غار (سمت چپ پایین).



تصویر ۳: موقعیت دهانه غار کولان گورا در کوه (قسمت فوقانی)، دهانه آن (قسمت پایین سمت چپ)، و فضای داخل غار (قسمت پایین سمت راست).



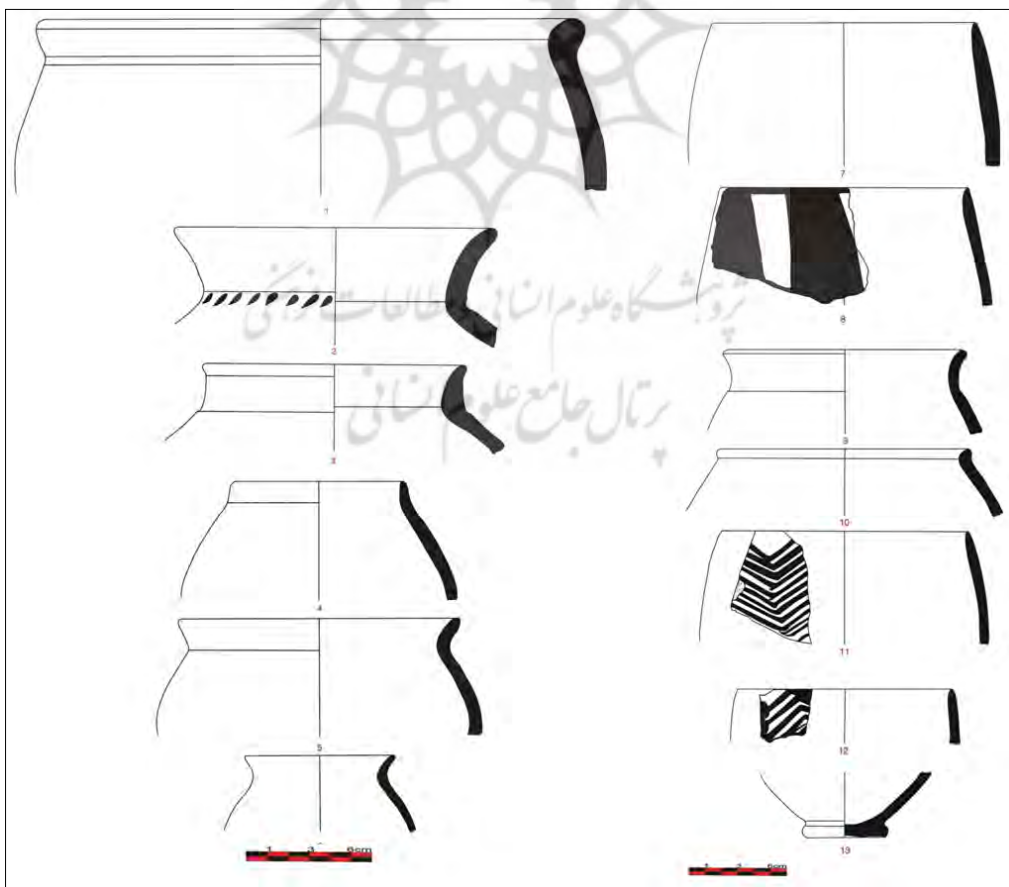
تصویر ۴: موقعیت دهانه غار کنه شمشم در کوه (قسمت فوقانی عکس)، طرح غار (تصویر سمت چپ پایین، طراح: آرش یاسمن پور) و فضای داخل غار (تصویر سمت راست پایین).



تصویر ۵: تصویری بخشی از سفال‌های بدست آمده از بررسی سطحی غار سمنگان.



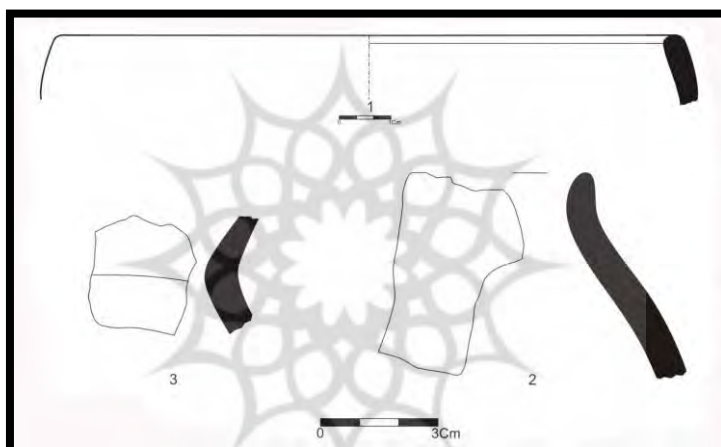
تصویر ۶: تصویری بخشی دیگر از سفال‌های بدست آمده از بررسی سطحی غار سمنگان.



تصویر ۷: طرح سفال‌های غار سمنگان.



تصویر ۸: تصویری از سفال‌های بدست آمده از غار کولان گورا.



تصویر ۹: طرح از سفال‌های غار کنه شمشم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی